

نویسنده : داکتر جک رسموس (Dr.Jack Rasmus)
منبع و تاریخ نشر : گلوبال ریسرچ « 2019-06-29 »
برگردان : پوهندوی دوکتور سیدحسام «مل»

د ستکاری اید یولوژیک: حمله به ایده هاوسیا ست
های پیشروانه ؛ بد جلوه دادن سوسیالیزم
**ideological Manipulation : Attacking progressive idea
and policies misrepresenting socialism**



اپرات ویا دستگاه های ایدئولوژیک سرمایه داری (اعم از :نمایش های گفتگو ؛ اخبار کبلی
اتاق های تنویر ؛ سردبیران رسانه های مطبوعاتی و غیره) در ماه های اخیر در حال شکل
گیری اند و آنهم بخاطر بمروردهد ف قرار دادن ایده های پیشرونده جدید که آغاز به ظهور
کرده اند. مثل عرضه خدمات صحی برای همه ؛ نظریه پول جدید ؛ تعامل ویا معامله
سبز جدید ؛ سوسیالیزم و غیره. ایدئولوژی تعریف شده در اینجا اشاره به دستکاری هدفمند
و تحریف اندیشه های برای دفاع از منافع اقتصادی تحت تسلط نخبگان (اقتدارگرایان)
و طبقات است.

هدف اصلی این دستکاری ایدئولوژیک وارونه کردن و تحریف عقاید اصلی است که
بر اساس تکتیک های مختلف تغییر زبان روبراه میشود و یکی از همچوروش های تکتیکی
این است که مرجع مفاهیم ویا قیاس های منطقی ضروری را که بخشی از ایده اصلی
هستند حذف میکنند و برای تحریف بیشتر ایده اصلی قیاس های متناقض و غیر منطقی و
برای درک منطقی و روابط عناصر در ایده ؛ برای وارونه کردن روابط بین عناصر و بخاطر

معکوس کردن روابط مبنی بر سبب بین عناصر و جاگزینی همبستگی علت و معلول و غیره را با آرایش کلمات و با بکار بردن مثال ها جاگزین مینمایند (برای درک جزئیات بیشتر در مورد روش ؛ بخشها و ویبلاگ های مختلف من را در googlerasmus.com و در مورد اینکه چگونه ایدیولوژی در اقتصاد کار میکند و یاکه موثر است در کتاب آینده ام تحت عنوان (*clarity press, the scourge of Neoliberalism*) که عنقریب بد سترس شما بتاریخ بعد از (9) ماه سپتمبر قرار خواهد گرفت ملاحظه فرمایید .) .
دستکاری ایدیولوژیک امر جدید نیست ؛ تعداد از این مفاهیم یا (propositions) در هسته و یا در قلب نیولیبرالیسم قرار دارند . از جمله مهمترین نمونه های نیولیبرالیسم مزخرفاتی است ما نند :

- * منافع از تجارت آزاد برای همه .
- * کاهش مالیات های تجاری مشاغل را ایجاد میکند .
- * تورم همواره بخاطر پول زیاد است که به تعقیب کالا های کم است .
- * بازار همیشه کار آمد است و نتیجه گیری دولت همیشه ناکار آمد است .
- * بهره وری یا (استثمار) بر د دستمزدها را تعیین میکند .
- * بانک های مرکزی مستقل هستند .
- * رکود ها و یا بحران ها تنها توسط شوک های خارجی به یک سیستم ثروتمند دیگر ایجاد میشود .
- * سقوط و یا (crash) سال (2008-2009) به دلیل فروپاشی پس انداز جهانی و غیره بود .

باید اذعان کرد که هیچکدام از این مفاهیم و یا پروپوزیشن ها از حقایق پیشتیبانی نمیکنند تخت و تازها و حملات توسط دستگاه ها و یا نهادهای ایدیولوژیک بر ابده خدمات صحی برای همه ؛ معامله سبز جدی ؛ سوسیالیسم و نظریه مدرن پول (MMT) ؛ جرایم و یا تهاجم جدید ایدیولوژیکی است که در حال حاضر بر کهن ها و یا بر قدیمی ها اضافه میشوند .

اکنون انواع از سنت (قدس) والستریت در حال افزایش است و یا که تعداد از این افراد به اصطلاح مقدس در حال زیاد شدن هستند که یکی از این قهرمانان اصلی منحرف گران از میان صفوف خود **دوید روبنشتاین (David Rubenstein)** میزبان بسیار خوبی و یا مهماندار از خوب شناخته ها (بین سرمایه داران و تماشاگران تلویزیون خبری بلوم برگ) و مشهورترین مصاحبه کننده و یا مصاحبه گر از سرمایه داران ایالات متحده امریکا است و او همچنان یکی از بنیانگذاران گروه کارلی (Carlyl) است کارلی که یکی از بزرگترین شرکت های سهام خصوصی (بانک های سایه) در جهان است . (خانواده بوش یکی از شرکای این گروه کارلی است) - روبنشتاین در مصاحبه های خود در سراسر رسانه ها و حضور در کنفرانس های نخبگان حمله به تیوری های پولی

مدرن (MMT)؛ معامله سبز جدید؛ خدمات صحی برای همه؛ و غیره انجام داده است. او همواره بدنبال حمله و تاخت و تاز به بازنشستگان و یا متقاعدین خدمات امنیتی اجتماعی میباشد. او آنها را بمثابه زباله های معمولی میدانند که باید در طول چند سال از بین برده شوند بخصوص آن متقاعدین که عمرشان به (80) سال برسد. روبنشتاین در هفته گذشته با یکی از دوستان مربوط خود منصوب به (بانک سایه) بنام **پاول سینگر (Paul Singer)** پیوست، پاول سنگر منیجر فوند بزرگ نخبگان است که هر دوی آنها با هم میزبان نهاد بلومبرگ در کنفرانس بنام اسپن (Aspen) در جمع نخبگان اقتصاد ایالات متحده امریکا با تعداد از اشتراک کنندگان کنفرانس مصاحبه کردند و به سوالات اشتراک کنندگان در موارد خدمات صحی برای همه؛ بازنشستگان خدمات امنیتی اجتماعی؛ تیوری پول جدید (MMT) و در بسا موارد به پاسخ پرداختند.

نحوه حمله و تاخت و تاز **روبنشتاین و پاول سنگر** بر مورد خدمات صحی برای همه به شدت هر چه بیشتر به بودجه مصارفات و یا به هزینه های که برای تامین سلامتی آنها تخصیص داده شده و یا تادیه میشود متمرکز بود و آنها چنین استدلال کردند که (180) میلیون امریکایی ترجیح میدهند که به شکل خصوصی استخدام کننده خود را بیمه درمانی کنند؛ در تحریف هزینه های که به آنها ربط دارد همان موضوعاتی است که برای آنها یک در دوربر این کار فرمایان اند اجوره کم و برای ایدولوگ های رسانه های کسب و کار اعم از به منسوبین و یا به مدیران اتاق های تنویر و مامورین و یا کارمندان اخبار کبلی و غیره معاش خوب پرداخته میشود.

ضربه اصلی تاخت و تاز به ارتباط خدمات صحی برای همه چنین است که حقایق را در مورد آن نادیده میگیرند از اینکه (160) میلیون کارگر امریکایی (نیروی کار کنونی ایالات متحده امریکا) از معاش و دستمزد خود (1,45) فیصد آنرا به دولت مالیه میدهد و نزدیک به (60) میلیون نفر بالاتر از سن (65) سالگی و قتیکه متقاعد میگردند سالانه مبلغ (135) دلار بیمه صحی شان را قبل از آنکه این پول از بیمه صحی مربوطه شان تادیه شود باید بپردازند.

پس شما این "هزینه" را برای آن خانواده ها که تا هنوز در بیمه درمانی خصوصی اند مقایسه کنید. طبق آخرین گزارش صندوق کایزر (Kaiser foundation) در هفته گذشته، هزینه بیمه های خصوصی بیمه از (5000) دلار در سال (2001) به (20,000) دلار در سال (2016) افزایش یافته است (اکنون بدون شک بالاتر در زمانه مداری اداره تحت زعامت Trump). پس این مبلغ (\$20k) به ازای هر ماه (1666) دلار است و این ده ها میلیون نفر را که نمیتوانند مصارف خدمات صحی خود را بپردازند و مجبور به پرداختن بیمه خصوصی مقرون به صرفه خصوصی شده اند در حال حاضر به درآمد

مبلغ (2000) دلار بیمه صحتی را سالانه تا مبلغ (5000) تخفیف میدهند درحالیکه آنها هزاران دلار دیگر اضافی می پردازند با وجودیکه از بسا روش های خدمات صحتی محروم اند یعنی که آنها در تحت پوشش همه روشهای صحتی قرار نمیگیرند در اینصورت ده ها میلیون نفر از دسترسی به خدمات صحتی محروم هستند حتی بیمه نوع «اوباما» که بنام (Obamacare) یاد میشود و سستیها یا ایالات آنها در همچو بیمه ها اشتراک نمیکند و یا اگر فرضاً اشتراک کنند حق پرداخت بیمه صحتی شان بلند می رود .

توضیح (\$20k)

{چه اتفاقی می افتد اگر دارایی بیش از (\$20k) هزینه داشته باشد؟
اگر دارایی شما بیش از 20,000 دلار هزینه داشته باشد، نمی توان آن را به عنوان یک نوشتن فوری یا خواست عاجل ادعا کرد. در عوض، آن را با یک به عنوان یک دارایی کسب و کار کوچک وظیفه در نظر گرفته شود، به این ترتیب شما یک کسر 15٪ در سال اول و 30٪ کسر در سال دوم را به عنوان معمول دریافت خواهید کرد. اگر، با این حال، توازن استخر کوچک کسب و کار شما کمتر از 20,000 دلار است، شما قادر به ادعای تعادل استخر هستید از یادداشت های انترنیت توسط این قلم
توضیح مدیکیر = یک سیستم فدرال بیمه درمانی برای افراد بالای سن «65» ساله و بعضی از افراد معلول ست توسط این قلم .

این مقایسه مدیکیر (Medicare) با هزینه های صدها دلار طی یک سال در مقایسه با بیمه درمانی خصوصی که هزینه ویا مصرف آن بطور اوسط (20000) دلار در سال ویا گاهی هم بیشتر از آن است آیا شما هرگز در صحبت های روبنشتاین ویا نخبگان دیگر که این مورد را با واقعیت های موجود مقایسه کنند شنیده اید؟ البته که نه! چونکه آنها در هنگام صحبت کردن و تاخت و تاز بر موضوع مدیکیر و آنهم بشکلی که این کارمندان ایدیولوژیک در هنگام سخنوری خود با مهارت های چندی برای تحریف موضوع بازی با (زبان) میکنند ویا بکار بردن واژه های بویژه به حذف حقایق پرداخته با تغییر منطق در ارایه دادن عوامل مسببه و بایپشکش نمودن استدلال ها که علل و اسباب مربوطه به موضوع را وارونه جلوه دهند اصل موضوع را تحریف میکنند. یعنی که همه مهارت های آنها برای اغفال ذهن دیگران بازی با «زبان» است که اگر بتوانند حقیقت را کتمان ویا تحریف کنند حالانکه آنها راه حل های را بخاطر نفع خود تا جایکه

میتوانند باز میکنند نه به نفع دیگران .

سپس استدلال ایدیولوژیک بیشتری از روبینشتاین و پاول سینگر چنین است که «180» میلیون نفر امریکایی میخواهند پوشش بیمه صحتی خود را بخواهند این که مجبور شوند به مدیکیر بروند و یا در آن بیمه ثبت نام کنند حفظ میکنند خوب اگر ثروتمندان بخواهند پوشش بیمه خصوصی را در بالای مالیات حداقل مراقبت های صحتی بپردازند مطمئناً که میتوانند در پیشنهادات مدیکیر برای همه در حال حاضر بروی میز کار کنند و بدین رو احتمال آن می رود که بیش از (100) میلیون خانوار امریکایی را که همین اکنون با زور و جبر و با گول زدن آنها در بیمه خصوصی نگهداشته اند از اینکه به مدیکیر نه روند هویدا است از اینکه در حدود (74) درصد از مردم همین اکنون از بیمه صحتی خصوصی ناراض و شکایت دارند .

پس به صورت هر آن چیزیکه زمینه را برای پرداخت مالیه توسط ثروتمندان به دولت مساعد سازد که نفع آن به بقیه ما و یا به عامه باشد نه به شرکت ها و یا نه به سرمایه داران ایشان آنرا نمیکنند. آنچه که قبلاً یعنی در دهه های (50) و (60) و (70) برنامه های اجتماعی قابل پذیرش طراحی شده بود و یا که وجود داشت آنچنان برنامه های بود که برای طبقه متوسط و طبقه کارگر (واقعاً مردمی) و درخور ستایش بود اما اکنون روی و چهره ای این برنامه ها با قلم موی یا قلم آبرو (برش) گسترده ای از «سوسیالیزم» نقاشی و زیبا ساخته شده است یعنی که سرمایه گذاری بعنوان جاگزین به اصطلاح در تقویه سوسیالیزم ؛ تخصیص در حدود (1،5) تریلیون دلار وام جهت فراهم آوری تسهیلات به ارتباط پول پرداخت تحصیل بمنظور کمک به ده ها میلیون دانشجو را عمل سوسیالیزم تلقی میکنند. و مدیکیر که واقعاً یکی از کوچکترین مشخصه فرماسیون اقتصادی اجتماعی سوسیالیزم است آنرا بشکل از اشکال رد میکنند و یا که تلاش مینمایند که آنرا بد جلوه دهند. پول تحصیل بقسم وام را دولت به شاگردان در کالج های عمومی پذیرفته (دولت اجازه میدهد یا که پذیرفته است که تا (6،8) فیصد سود به وامی که دانشجو از بانک میگیرد بپردازد و بانکها اکنون از وام داده شده (0،25) فیصد بهره میگیرند) است . درست است که این سوسیالیزم نیست . متوقف ساختن چک های دولتی («79» ملیارد دلار در سال گذشته) برآستی که برای شرکت های بزرگ و برای سرمایه داران سوسیالیزم است و این سرمایه داران و یا نخبگان سرمایه داری است که برنامه های اجتماعی دهه های گذشته را با برنامه های کنونی خود شبیه دانسته به آن نام سوسیالیزم میدهند. اما بگذارید آنها را که به این موضوع ایدیولوژیک خود ادامه دهند بر طبق نظر سنجی های اخیر دو سوم هزاره ها (millenials) که اکنون بزرگترین گروه جمعیت هستند متقاعد شده اند که سوسیالیزم نسبت به نظام سرمایه داری بهتر است « البته سوسیالیزم که به آنها تا کنون به مفهوم چیزی جز موارد فوق است . » .

سپس تاخت و تاز ایدیولوژیک پیچیده تر به ایده یا به نظریه در حال ظهور پول جدید

(MMT) است یعنی که **روبنشتاین و پاول سینگر** واقعاً که مخالف در برابر نظریه فوق هستند آنها در یکی از پروپوزیشنهای (propositions) شان (ایده از معنی عنا صر) تهیه و تدارک هزینه های مالی و اجتماعی از طرف بانک مرکزی برای تامین وجوه مالی زیر ساخت ها و برنامه های اجتماعی که برای بقیه ما سودمند است پرداختند ؛ اما جای تعجب این است که **روبنشتاین** و همکارانش به این موضوع می تازند و میگویند : اوه ؛ این بدان معنی است که پول و توروم بیش از حد بدهی های بزرگ را در بانک مرکزی ایجاد میکند . و این بدان مفهوم است که افزایش بدهی های ملی بیشتر خارج از کنترل و نظارت میگردد .

اما صرف یک دقیقه صبر کنید ! که این فقط همان چیزی است که فدرال از وقتی در سال (2009) پروگرام (QE) یا (کاهش کمی = quantitative easing) را روی دست گرفت یعنی که بانک ها را با تزریق نقدی تریلیون دلاری تسویه کرد به دنبال آن نرخ های وام گرفتن برای بانکداران مانند برای **روبنشتاین و پاول سینگر** که برای بیشتر از (7) سال دیگر نیست آن کس و یا کسانی که این مورد را خواستند بشنوند **روبنشتاین** و دوستان او بودند . که از کاهش کمی تیوری پول جدید شکایت بعمل آوردند . چونکه بانکهای سایه آنها ؛ شرکت های سهامی خصوصی ؛ صندوق های تامینی و غیره (0،15) فیصد اجازه داشتند که وام گیرند و مستقیماً از آن سود دریافت میکردند . که بعد از آن هزینه های پول وام به میزان چند درصد کاهش پیدا کرد . (هنوز هم پایتنتز از «6،8» درصد است . که دانشجویان از آن باید استفاده کنند) آنها عاشق کاهش کمی (QE) بودند و هرگز در مورد بدهی ، توروم ، در سهام و قیمت های اوراق قرضه یا درآمد و ثروت فراوان که بطور شخصی به دلیل (QE) انباشته شده بود شکایت میکردند .

تقلیل یا کاهش کمی (QE) فقط تیوری جدید پول (MMT) تحول سربه عقب و یا پیچیدن بر سر است ؛ و در حال حاضر نظریه پردازان (MMT) فقط سعی دارند جداول را بروی روبنشتاین و حمله نخبگان تغییر دهند . و با گفتن اجازه دهید که (QE) را برای بقیه ما بکار ببریم . اما نه به نظر آنها ، بقیه ما همچنان برای رفع موانع مصارف دولت ادامه دهیم کاهش مالیات بر مواد غذایی ؛ آموزش ؛ خدمات ترانسپورت ؛ خدمات صحت ؛ و غیره ما باید مالیات بالاتری را پرداخت کنیم تا مالیات های مالی (4) تریلیون دلار **ترامپ** را برای شرکت های سرمایه گذاران و خانواده های (یک) فیصد ثروتمندان و هزینه های سالانه به مبلغ (100) میلیارد دلار بیشتر را تدارک و یا تهیه نمایم .

(QE) نرخ پایین و کاهش مالیات برای آنها یعنی برای سرمایه داران ؛ (6،8) درصد برای دانشجویان ولی افزایش مالیات برای ما است . و ما نباید جرات کنیم که از مد یگیر برای همه ؛ معاملات جدید سبز ؛ آموزش رایگان ؛ کمک گرفتن از بدهی دانشجویان و غیره استفاده کنیم . این خیلی پرهزینه است ؛ این کار نخواهد کرد ؟ بر طبق خواست **روبنشتاین و پاول سینگر** این سیستم ممکن خراب خواهد شد و اما سیاست های

روبنشتاین ها ، پا ول سینگرها ، گلد من ساچرها و ترامپ در حال سیاست گذاری به دولت هستند بانکدارهای سایه همگی هزینه زیادی دارند ؛ کار نمیکنند؛ و در حال حاضر سیستم را دارد که خراب کند .

آنچه که آنها میخواهند این است : که سالانه باید تریلیون دلار توام با توزیع درآمد به صنف خود از طریق خرید سهام و پرداخت سود تقسیم شود («3،1» تریلیون دلار در سال «2018» و «4،1» تریلیون در سال « جاری »)؛ کاهش مالیات و پول ارزان (QMT/QE) این توزیع مجدد درآمد تاریخی را از طریق سهام ،اوراق قرضه ، وسایر بازارهای سرمایه بدست آورده است .

مد یگیر برای همه وگسترش تامین اجتماعی برای بازنشستگان با افزایش «کلاهبرداری» در تامین اجتماعی بر علاوه مالیات درآمد سرمایه با پرداخت مالیات معامله مالی از دانشجویان با سرمایه گذاری در معامله سبز؛ با معکوس کردن (40) سال کاهش مالیات برای ثروتمندان و شرکت های شان ؛ همه چیز به معنی بدست آوردن برخی از «3،1» تریلیون دلار از توزیع مجدد درآمد از سال (2008) است . روبنشتاین و دوستان او این موضوع را بخوبی میدانند ولی هرگز نمیخواهند .

بنا بر آن روبنشتاین و همدستان اش در حال سفر به کشور هستند که بر علیه به پیشنهاداتی که برای تحقق این کار انجام شود به تاخت و تاز بپردازند و بطور کلی با تحریف کردن سوسیالیسم و غلط و دروغ گفتن در مورد مفهوم این برنامه کاری کرده باشند بویژه با استفاده از تکنیک های مختلف مهارتهای در دست داشته با زبان بازی کردن موضوع را وارونه جلوه داده و یا ذهنیت ها را از موضوع اصلی انحراف دهند . و برای ارتقای کلاس خود با صحبت کردن ها برادامه تاخت و تاز های خود بگونه محلی و موضعی بخاطر ایجاد «پیام» ها و تهیه موضوعات برای حمل و پخش از طریق رسانه های خود و از طریق کانال های مختلف بمنظور بکارگماردن اقتصاد دانان ساده لوح ایدیولوژیک که ایده های شان را عاری از عیب و نقص طوطی وار در مقالات خود انعکاس دهند و به هدایات و اوامر وچرندیات شان مشروعیت و یا قانونیت دهند در تلاش اند . پیامهای اساسی تهاجم ایدیولوژیک آنها عبارت است از : سوسیالیسم برای ثروتمندان خوب ؛ سوسیالیسم برای بقیه ما بد ؛ کاهش مالیات برای ثروتمندان و شرکت های آنها خوب ؛ کاهش مالیات برای بقیه ما بد ؛ چک کردن و کنترل کردن کمک های مالی از سوی شرکت ها سودآور خوب ؛ یارانه ها ویا کوپون ها صحی یا آموزش بد ؛ پول آزاد از بانک فدرال (QE) برای آنها خوب ؛ پول آزاد از بانک فدرال (MMT) برای ما بد .

اما همیشه اینطور است که ایدیولوژی در سیاست اقتصادی کار میکند . فقط موضوعات مورد نظر تغییر کرده است . روش دستکاری زبان یکسان است از این رو هم بهره مندی های مستقیمی هستند فقط شراب جدید را در بوتلهای کهنه و قدیمی بیاندازی و در صورت

لزوم از طریق پیام های تکراری از موسساتی که پیام های ایدیولوژیک را تحویل میدهند
گلوی شان را از بین ببرید .

چند سطر در مورد نویسنده این مقاله : دکتر جک رasmus نویسنده کتاب
پیشنهادی «معضل نئولیبرالیسم: سیاست اقتصادی ایالات متحده از ریگان تا ترامپ»
است، Clarity Press ، سپتامبر 2019. او در googlerasmus.com وبلاگ می
نویسد و میزبان نمايش هفتگی رادیو، *Alternative Visions* در شبکه رادیویی پیشرفته
دسته ی توئیترش [drjackrasmus](https://twitter.com/drjackrasmus) است .

----- **با تقدیم سلام ها** «2019-07-10» .